



قصه‌هایی که گاهی از دل کوهستان می‌آیند و بر شانه‌هایی خسته، زیبایی‌هایی خاموش اما ماندگار را با خود می‌آورند.



در نخستین هفته کاری کارمند تازه‌وارد شعبه میمه مردی با عقابی بر شانه برای تعویض دفترچه بیمه آمد و همان دیدار کوتاه به درسی ماندگار از آرامش و حرفه‌ای‌گری تبدیل شد

آن مرد و عقاب آرامش، شاید اولین آزمون واقعی من در مسیر خدمت‌رسانی بودند.

آن روز یاد گرفتم شجاعت همیشه به معنای نترسیدن نیست. گاهی شجاعت یعنی در دل ترس هم بتوانی کار درست را انجام بدهی.

و گاهی زیباترین درس‌ها را ساکت‌ترین مراجعان به ما می‌دهند؛ حتی اگر این درس با بال‌هایی سفید و خاکستری و چشمانی تیز، بر شانه‌ای استوار نشسته باشد.

آن خاطره هنوز هم مثل نسیم ملایم همان صبح اردیبهشتی در ذهنم می‌وزد و هر بار یادم می‌آورد که در سازمان تأمین اجتماعی، ما تنها با پرونده‌ها و دفترچه‌ها سروکار نداریم. ما با قصه‌های زندگی مردم روبه‌رو هستیم؛